

چگونه اسرائیل از صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی فرار می‌کند

اگر دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، که وظیفه پیگرد بدترین جنایات جهان را بر عهده دارد، در برابر فرار زیرکانه یک ملت ناتوان باشد، چه می‌شود؟ اسرائیل اصل تکمیلی دیوان را به سپری تبدیل کرده است که با تحقیقات جعلی، مانع از تحقیقات مستقل می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که چگونه اسرائیل از این خلأ قانونی سوءاستفاده می‌کند، یک سیستم قضایی دوگانه را اعمال می‌کند که شهرک‌نشینان خشن را بر فلسطینیان ستم‌دیده ترجیح می‌دهد و به تحریم‌های ایالات متحده متکی است که قضات دیوان را از طریق شبکه SWIFT، مسترکارت/ویزا و فهرست‌های ممنوعیت پرواز فلج می‌کند. قتل‌عام‌های هند رجب و امدادگران رفح عمق این استراتژی را آشکار می‌کند و خواستار اقدام فوری بین‌المللی است.

بهره‌برداری از اصل تکمیلی

اصل تکمیلی دیوان کیفری بین‌المللی، که در ماده 17 اساسنامه رم گنجانده شده است، تنها زمانی اجازه مداخله می‌دهد که یک دولت «ناخواهان یا ناتوان» از پیگرد واقعی جرایم تحت صلاحیت خود باشد. اسرائیل با بدبینی از این ماده بهره‌برداری می‌کند و تحقیقات داخلی سطحی انجام می‌دهد که به‌عنوان پوششی برای جلوگیری از نظارت دیوان عمل می‌کند. قتل‌عام هند رجب در ژانویه 2024 و قتل‌عام امدادگران رفح در 23 مارس 2025 نمونه‌هایی از این تاکتیک هستند. در مورد هند رجب، ارتش اسرائیل (IDF) ابتدا هرگونه دخالت را انکار کرد و ادعا کرد که هیچ نیرویی در نزدیکی محل کشته شدن یک دختر 6 ساله و خانواده‌اش با شلیک تانک حضور نداشته است و آمبولانسی که برای نجات آنها فرستاده شده بود، تخریب شد و دو امدادگر کشته شدند. تنها پس از ارائه شواهد ویدیویی و تحقیقات مستقل توسط Forensic Architecture که مسئولیت یک تانک IDF را ثابت کرد، ارتش «اشتباهات» را پذیرفت، اما هیچ اتهام کیفری مطرح نشد—فقط یک بررسی اولیه سربازان را از هرگونه تخلف تبرئه کرد. به‌طور مشابه، در قتل‌عام رفح، ارتش اسرائیل به دروغ ادعا کرد که وسایل نقلیه بشردوستانه «مشکوک» و مرتبط با حماس بودند و 15 کارگر بشردوستانه، از جمله کارکنان PRCS و سازمان ملل، را در حمله‌ای به سبک اعدام کشت. فیلم‌های ویدیویی بعداً این روایت را رد کردند و ارتش را مجبور به پذیرش خطاها کردند، اما تحقیقات 20 آوریل 2025 تنها به یافته‌های «سوءرفتار حرفه‌ای» ختم شد و یک معاون فرمانده را برکنار کرد و دیگری را بدون مسئولیت کیفری تنبیه کرد.

این تحقیقات نه مستقل هستند و نه دقیق، زیرا به شهادت‌های خودمحور سربازان وابسته‌اند و شواهد قربانیان و گزارش‌های حقوق بشری را رد می‌کنند. الگوی ارتش اسرائیل—راه‌اندازی 47 تحقیق پس از جنگ غزه در سال‌های 2008-2009 با کمتر از 1 درصد کیفرخواست—عدم تمایل آن به پیگرد واقعی را نشان می‌دهد. اسرائیل همچنین اقتدار دیوان را به چالش می‌کشد و با وجود الحاق فلسطین به اساسنامه رم در سال 2015، وضعیت دولتی آن را مورد مناقشه قرار می‌دهد، موضعی که توسط شعبه مقدماتی اول در 21 نوامبر 2024 رد شد، زمانی که صلاحیت را تأیید کرد و احکام بازداشت برای نتانیاوو و گالانت صادر کرد. تحریم‌های اخیر ایالات متحده علیه قضات دیوان، که در 5 ژوئن 2025 توسط وزیر امور خارجه مارکو رویو اعلام شد، این فرار را تشدید می‌کند. این اقدامات، که علیه قضات سولومی بالونگی بوسا، لوز دل کارمن ایباز کارانزا، رین آدلاید سوفی آلپینی گانسو و بتی هوهرل اعمال شده، دارایی‌های ایالات متحده را مسدود می‌کند و ممنوعیت‌های سفر را تحمیل می‌کند، که احتمالاً حساب‌های بانکی آنها را از طریق شبکه SWIFT مسدود کرده و خدمات مسترکارت/ویزا را تعلیق می‌کند، همان‌طور که در مورد دسترسی مختل شده دادستان خان دیده شد. این حمایت ایالات

متحد، که ریشه در ادعاهای حاکمیت دارد، روند دیوان را به تأخیر می‌اندازد و فرار اسرائیل را به‌عنوان سوءاستفاده عمدی از اصل تکمیلی برای فرار از عدالت در برابر جنایات مستند تثبیت می‌کند.

استانداردهای قضایی متفاوت: فلسطینیان در برابر شهرک‌نشینان خشن

سیستم قضایی اسرائیل به‌عنوان ابزاری برای سرکوب عمل می‌کند و یک رژیم قانونی دوگانه را اعمال می‌کند که نقض کننده الزام کنوانسیون چهارم ژنو برای حفاظت برابر در سرزمین‌های اشغالی است. فلسطینیان، از جمله کودکان 12 ساله، تحت یک سیستم دادگاه نظامی قرار می‌گیرند که تخلفات جزئی مانند پرتاب سنگ را با اقدامات سختگیرانه مجازات می‌کند. سازمان دفاع از کودکان فلسطین گزارش می‌دهد که سالانه 500 تا 700 کودک بازداشت می‌شوند و با خشونت، حبس انفرادی و اعترافات اجباری بدون نمایندگی قانونی مواجه می‌شوند، همان‌طور که در گزارش سال 2015 سازمان دیده‌بان حقوق بشر درباره سوءاستفاده‌های نیروهای امنیتی مستند شده است. در سال 2022، 137 کودک بازداشت شدند و در سال 2023 افزایش مرگباری رخ داد، از جمله کشتار کودکان توسط تک‌تیراندازها، طبق گزارش گاردین در سال 2024. این موارد اغلب به زندان منجر می‌شود و کنوانسیون حقوق کودک را نقض می‌کند.

در مقابل، شهرک‌نشینان خشن اسرائیلی—بیش از 700,000 نفر در کرانه باختری—تحت قانون مدنی عمل می‌کنند و از مصونیت برای غصب زمین و حملات برخوردارند. گزارش بتسلم در سال 2021، «رژیم برتری یهودی»، جزئیات می‌دهد که چگونه شهرک‌نشینان، مسلح و با حمایت پایگاه‌های IDF، بیش از 50 درصد از زمین‌های کرانه باختری را از طریق آتش‌سوزی، ضرب و شتم و قتل تصاحب می‌کنند. حمله آتش‌سوزی دوما در سال 2015، که یک خانواده فلسطینی را کشت، پس از سال‌ها تأخیر تنها به محکومیت یک شهرک‌نشین منجر شد، در حالی که دیگران از عدالت گریختند. گزارش آدامیر در سال 2023 تأیید می‌کند که دادگاه‌های نظامی شهرک‌نشینان را مستثنی می‌کنند و آنها از رویه‌های مدنی ملایم یا هیچ‌گونه اقدام قضایی بهره‌مند می‌شوند، در حالی که دیوان عالی کشور تصرف زمین‌ها را به‌عنوان اقدامات «امنیتی» تأیید می‌کند. این نابرابری سیستمی از سلطه نژادی را تثبیت می‌کند، که نقض آشکار تعریف آپارتاید در اساسنامه رم است.

مطالعات موردی: قتل‌عام‌های هند رجب و امدادگران رفح

قتل‌عام‌های هند رجب و امدادگران رفح نمونه‌های محکوم‌کننده‌ای از تاکتیک‌های فرار اسرائیل هستند. در ژانویه 2024، هند، دختری 6 ساله، و خانواده‌اش با شلیک تانک IDF در شهر غزه کشته شدند و تلاش برای نجات با آمبولانس نیز هدف قرار گرفت و امدادگران یوسف زینو و احمد المدحون کشته شدند. ارتش اسرائیل دروغ گفت و ادعا کرد که هیچ نیرویی در محل حضور نداشته، تا اینکه تحقیقات Forensic Architecture در سال 2024، با پشتیبانی شواهد ویدیویی و صوتی، خلاف آن را ثابت کرد و نشان داد که تانک از فاصله 13 تا 23 متری شلیک کرده است. هیچ اتهام کیفری مطرح نشد—سربازان تحت عنوان «سوءرفتار حرفه‌ای» تبرئه شدند. به همین ترتیب، حمله رفح در 23 مارس 2025، 15 کارگر بشردوستانه، از جمله کارکنان PRCS و سازمان ملل، را در حمله‌ای به آمبولانس‌ها و یک خودروی سازمان ملل کشت. ارتش اسرائیل به دروغ ادعا کرد که این افراد با حماس ارتباط داشتند، اما شواهد ویدیویی از تلفن یک امدادگر دروغ را افشا کرد و نشان داد که خودروها با چراغ‌های روشن زیر آتش بودند. تحقیقات 20 آوریل 2025 تنها به «ناکامی‌های حرفه‌ای» منجر شد و یک معاون فرمانده را بدون مسئولیت کیفری برکنار کرد، با وجود اینکه کالبدشکافی‌ها قتل‌های عمدی را تأیید کردند.

این موارد الگوی اسرائیل را برجسته می‌کنند: دروغ گفتن تا زمانی که شواهد غیرقابل انکار ظاهر شود، سپس انجام تحقیقات جعلی برای تبرئه مرتکبان، با بهره‌برداری از اصل تکمیلی برای مسدود کردن صلاحیت دیوان. تحریم‌های ایالات

متحدہ علیہ قضاۃ دیوان، کہ توانایی‌های مالی و مسافرتی آنها را مختل می‌کند، این مصونیت را بیشتر تقویت می‌کند و دیوان را ناتوان از اقدام می‌سازد.

مبنای حقوقی و پیامدهای بین‌المللی

اقدامات اسرائیل کنوانسیون آپارتاید و اساسنامه رم را نقض می‌کند، که آپارتاید را به‌عنوان سرکوب سیستماتیک یک گروه نژادی بر گروه دیگر تعریف می‌کند. گزارش‌های دیده‌بان حقوق بشر در سال 2021 و عفو بین‌الملل در سال 2022 نتیجه می‌گیرند که سیاست‌های اسرائیل این آستانه را برآورده می‌کند و به قوانین تبعیض‌آمیز، محدودیت‌های حرکتی و قتل‌ها اشاره می‌کنند. گزارشگر ویژه سازمان ملل در سال 2022 آپارتاید را در سرزمین‌های اشغالی تأیید کرد، یافته‌ای که اسرائیل به‌عنوان سیاسی رد می‌کند. ناتوانی دیوان در غلبه بر این تحقیقات جعلی—با وجود احکام بازداشت در سال 2024—با تحریم‌های ایالات متحده تشدید می‌شود. شبکه SWIFT، تحت صلاحیت ایالات متحده، بانک‌های جهانی را مجبور به مسدود کردن حساب‌های قضاۃ می‌کند، در حالی که مسترکارت/ویزا خدمات اعتباری را تعلیق می‌کند و قرار گرفتن در فهرست ممنوعیت پرواز، سفر را محدود می‌کند، همان‌طور که در مورد خان دیده شد. دیوان و سازمان ملل این را به‌عنوان حمله به عدالت محکوم می‌کنند، در حالی که اتحادیه اروپا یک قانون مسدودکننده پیشنهاد می‌کند، اما فرار اسرائیل ادامه دارد.

فرار اسرائیل از صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی یک استراتژی حساب‌شده است که اصل تکمیلی را برای حفظ یک سیستم قانونی دوسطحی که فلسطینیان را سرکوب می‌کند و شهرک‌نشینان و سربازان را محافظت می‌کند، سوءاستفاده می‌کند. قتل‌عام‌های هند رجب و رفح، با دروغ‌های افشاشده و تبرئه گناه، همراه با تحریم‌های ایالات متحده که قضاۃ دیوان را فلج می‌کند، شواهد غیرقابل انکاری از این رژیم هستند. جامعه بین‌المللی باید اقدام کند—تقاضای تحقیقات مستقل، اعمال تحریم‌های متقابل و اجرای احکام بازداشت دیوان—تا این ساختار شبه‌آپارتاید را برچیند و عدالت را به قربانیان برساند.